

روش‌شناسی علوم قرآن از منظر فلسفه علم

دکتر ابراهیم فتح‌الهی*

تاریخ دریافت: ۸۶/۱/۱

تاریخ پذیرش: ۸۷/۲/۱۷

چکیده

مجموعه‌ای از مباحث کلی مرتبط با قرآن که وجهی از وجوه مطالعات قرآنی را تبیین می‌کند یا به پرسشی از پرسش‌ها در باره قرآن می‌پردازد، با عنوان کلی «علوم قرآن» نامیده می‌شوند. به دلیل نقش مهمی که مطالعات روشمند در علوم قرآن در توسعه و رشد این علوم دارد، باید روش‌شناسی این علوم ساماندهی شود، تا معلوم شود روش پژوهش در علوم قرآن از روش‌های درون‌دینی به دست می‌آید یا روش‌های برون‌دینی؟ یا اینکه از هر دو روش می‌توان استفاده کرد؟ همچنین، باید معلوم کرد که علوم قرآن همگی دارای روش واحدی هستند یا با توجه به نوع مسئله روش‌های متعدد دارند؟

نویسنده در این مقاله در پی بیان آن است که علوم قرآن، دانشی تک‌روشی نیست و علوم مختلف قرآن بسته به ماهیتشان از روش‌های مختلف نقلی، عقلی و تحلیل زبانی پیروی می‌کنند؛ و روش‌های تحقیق ریاضیات، دانش‌های تجربی، علم تاریخ، علم کلام، علوم حدیثی، علوم ادبی، نقد ادبی، زیباشناسی، زبان‌شناسی و غیره در علوم قرآن کارایی دارند. به عبارت دیگر، بهترین روش در مطالعات مربوط به علوم قرآن، روش پژوهش ترکیبی (یا تلفیقی) است.

واژگان کلیدی

روش‌شناسی، معرفت‌شناسی، علوم قرآن، رده‌بندی علوم، مطالعات تلفیقی (روش پژوهش ترکیبی)

مقدمه

بحث از روش‌شناسی علوم قرآن را می‌توان بخشی از مباحث مربوط به فلسفه علوم قرآن دانست. فلسفه علوم قرآن به سان سایر فلسفه‌های مضاف، نگاهی معرفت‌شناسانه از نوع درجه دوم به علوم قرآن است که به بازکاوی و بازنگری بیرونی این علوم می‌پردازد، تا از این رهگذر ضمن بازشناخت مبانی و زیرساخت‌های این علوم، روش‌شناسی و شیوه‌های تحقیق هر یک از علوم قرآن را بررسی کند.

روش‌های کلان معرفت در روش‌شناسی و معرفت‌شناسی محض مورد بحث قرار می‌گیرند، ولی روش‌های خرد معرفت در معرفت‌شناسی‌های مضاف کاوش می‌شوند. در معرفت‌شناسی‌های مضاف، به نوعی رویکرد برون‌نگر نیاز داریم. مراد از رویکرد برون‌نگر آن است که از موضوع و متعلق علم، فاصله بگیریم و از منظری فراتر، به آن نگاه کنیم. با این نگاه، موضوع بررسی ما، خود علم، روش تحقیق و داوری در آن علم، پیش‌فرض‌های آن علم، دادوستد آن علم با علوم دیگر، تطوراتی که آن علم در طول تاریخ پیدا کرده و امثال آن خواهد بود. حاصل چنین بررسی‌هایی، پیدایش فلسفه‌های مضاف یا فلسفه علوم و معرفت‌های درجه دوم خواهد بود.

با توجه به اینکه هر یک از علوم قرآن به عنوان یک علم مطرح‌اند، باید روش‌شناسی خاصی نیز برای تحقیق در مسائل و مباحث گوناگون هر یک از آنها ساماندهی شود، و همچنان که منطبق بر فلسفه، و علم اصول فقه برای فقه، ابزار صیانت و روش استنتاج صحیح محسوب می‌شود، مباحث روش‌شناختی علوم قرآن نیز، مطالعات و تحقیقات در حوزه علوم قرآن را روشمند خواهد گردانید و زمینه رشد و توسعه این علوم را فراهم خواهد ساخت و نتیجتاً در راستای صیانت قرآن در برابر تحریف‌های گوناگون و ضمانت و اطمینان بخشی استفاده‌ها و استنتاج‌های صحیح از معارف درون قرآن متناسب با نیازهای هر زمان و مکان نقش محوری را ایفا خواهد کرد.

۱. پیشینه روش‌شناسی در علوم اسلامی

علوم اسلامی هر یک با موضوع و هدفی خاص و مسائلی مخصوص در بسترهای مختلف تاریخی، اجتماعی و توسط استعدادها و افکار مختلف رشد کرده و به دست ما رسیده‌اند و همین امر باعث اختلاف روش تحقیق حتی در حوزه بعضی از علوم اسلامی شده است؛ چنان که علمی مانند تفسیر، کلام، فقه و اصول فقه با انواع روش‌ها عجین شده‌اند؛ برای مثال، در تفسیر و فهم آیات قرآن، روش‌های گوناگونی به کار می‌رود؛ برخی به تفسیر مأثور روی می‌آورند (رک. بحرانی، ۱۴۱۴ق؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۲ق)، و گاه از روش‌های تحلیل ساختار متن استفاده می‌شود (رک. لاریجانی، ۱۳۷۰ش، ص ۱۰۲) و برخی نیز در تحلیل مفاهیم دینی در قرآن، از روش و دانش سمانتیک استفاده می‌کنند (ایزوتسو، ۱۳۶۸ش، صص ۱-۱۰).

مطالعات اسلامی، به دلیل تنوع موضوع و وسعت دامنه مباحث و پیچیدگی مسائل، از روش‌های بسیار متنوعی برخوردار بوده و دارای کثرت روش^۱ هستند. منابع شناخت نیز در اسلام محدود به شیوه‌ای خاص نیست. بالاترین منبع شناخت، وحی (به معنای اعم) است، و پس از آن عقل شهودی^۲ و سپس عقل استدلالی^۳ و در پایان نیز تجربه. در سنت اسلامی - بر خلاف رویه مدرنیسم که دو منبع اول را به کناری می‌نهد - تمامی این منابع شناخت به رسمیت شناخته می‌شوند. محققان و علمای اسلامی، از مشاهده محسوسات و تجربه و استدلال و برهان و سرانجام، تعقل و ذوق و شهود عرفانی استفاده کرده و از هر طریقی به صورتی، پیوستگی مراتب وجود را به یکدیگر نمایان ساخته‌اند (نصر، ۱۳۵۹ش، ص ۱۶).

به طور کلی، می‌توان روش‌هایی را که علوم اسلامی از آن‌ها برای تحقیقات خود و کشف نتایج این دانش‌ها بهره برده‌اند، در سه روش عقلی، نقلی و شهودی دسته‌بندی کرد. در روش عقلی اسلوب بحث قائم بر استدلال عقلی و برهان یقین‌آور است (مصباح‌یزدی، ۱۳۶۴ش، ص ۱۰۶). در روش نقلی، سماع از گذشتگان و اعتماد بر اسناد تاریخی ملاک عمل است و با توجه به اینکه علوم شرعی اسلامی مستند به قرآن کریم و سنت نبوی هستند، رسیدن به آن‌ها جز از طریق نقل ممکن نیست و صحت علوم نقلی نیاز به صحت نقل دارد (عتر، ۱۴۰۶ق، ص ۳۲۱). در روش شهودی نیز اعتماد بر

شناخت شهودی و مبنا قرار دادن آن برای تفسیر عالم و شناخت نفس و شناخت خداوند به عنوان روش اساسی پذیرفته شده است. (یثربی، ۱۳۷۲ش، ص ۳۳). نگرش شهودی به معرفت دینی، ویژه عارفان است که کشف و شهود قلبی را تنها منبع موثق برای درک حقایق دینی می‌دانند.

۲. تنوع روش‌ها و چندتباری بودن علوم قرآن

روش علوم قرآن مانند روش علم کلام است. همان طور که علم کلام چندروشی است، علوم قرآن نیز از تنوع روش‌ها برخوردار است و با توجه به نوع بحث از انواع روش‌ها می‌توان استفاده کرد. دلیل مسئله را می‌توان در چندتباری بودن مسائل علوم قرآن دانست. بدین ترتیب، موضوع علوم قرآن، یعنی متن قرآنی را می‌توان از منظر بسیاری از علوم بررسی کرد؛ مثلاً، مسئله اعجاز از زوایای گوناگون در علوم مختلف بررسی شده است. متکلمان برای اثبات نبوت و بلاغیان برای کشف گونه‌های زبانی در پاره اعجاز قرآن بحث کرده‌اند، و در عین حال، اعجاز قرآن شاخه‌ای از علوم قرآن است. توجه به چندتباری بودن مسئله تحقیق، ضرورت اخذ رویکرد میان‌رشته‌ای را روشن می‌کند (فرامرزقراملکی، ۱۳۸۲ش، ص ۱۱۱).

آنچه در باب مطالعات دینی به خصوص در باب مطالعات مربوط به علوم قرآن می‌تواند محقق را از حصرگرایی روش‌شناختی^۴ بازدارد، توجه به چندتباری بودن مسائل دین‌پژوهی است. با اخذ رویکرد کثرت‌گرایانه^۵ به همه مشرب‌ها و شاخه‌های معرفتی، می‌توان رهیافتی ژرف‌نگر و جامع‌گرا به دست آورد (فرامرزقراملکی، ۱۳۸۲ش، ص ۱۱۲). بنابراین برخلاف الگوهای پژوهشی پیشینیان که در هر رشته علمی لزوماً و فقط یک روش پژوهشی خاص را به کار می‌بردند، باید گفت علوم قرآن دانشی با موضوعات متعدد بوده و از تنوع روش‌ها برخوردار است و لزومی ندارد در پژوهش‌های مربوط به علوم قرآن خود را به شیوه واحدی محدود سازیم. در هر یک از علوم قرآن می‌توان با توجه به نوع مسئله یک یا چند روش از روش‌های مرسوم در سایر علوم را به کار برد.

به عبارت دیگر، نمی‌توان برای همه علوم قرآن روش واحدی را در نظر گرفت. علوم مختلف قرآن، بسته به ماهیت هر یک از آن‌ها، از روش‌های مختلف پیروی می‌کنند؛ مثلاً در مفردات قرآن روش‌های زبان‌شناختی قدیم و جدید، در اعجاز قرآن روش کلامی، در علم اسباب‌النزول روش تاریخی و روایی و در بعضی از مباحث ناظر به روابط بین آیات مانند عام و خاص روش متخذ از اصول فقه را می‌توان به کار بست. همچنین می‌توان از روش‌های تحقیق ریاضیات، دانش‌های تجربی، علم تاریخ، علم‌الحديث، علم رجال، علوم زیباشناختی، علوم ادبی، نقد ادبی و... بسته به ماهیت موضوع، در پژوهش‌های مربوط به علوم قرآن استفاده کرد.

۳. کارآیی روش‌های علوم مختلف در علوم قرآن

یک مسئله می‌تواند حیثیات مختلف داشته و بر مبنای هر یک از آن‌ها به دانش معینی متعلق باشد. علوم قرآن از چنین ماهیتی برخوردار است و نمی‌توان برای همه علوم قرآن روش واحدی را در نظر گرفت بلکه متناسب با نوع مسئله، روش تحقیق و بررسی آن نیز تغییر خواهد کرد. بنابراین، روش‌های تحقیق علوم مختلف می‌تواند در روش‌شناسی علوم قرآن کارآیی داشته باشد.

۳-۱. کارآیی روش ریاضیات در علوم قرآن

نویسندگان علوم قرآن در موارد مختلف از روش علوم ریاضی استفاده کرده‌اند. برخی سعی کرده‌اند نشان دهند که هر یک از عناصر قرآن دارای ترکیب ریاضی است و معتقد شده‌اند که پدیده بی‌نظیری در قرآن وجود دارد که در هیچ کتاب نوشته دست بشر یافت نمی‌شود و آن این است که سوره‌ها، آیات، لغات، تعداد حروف، تعداد کلمات هم‌خانواده، تعداد و انواع اسم‌های الهی، همگی دارای ترکیبی خاص هستند و به سبب این کد ریاضی جامع، کوچک‌ترین تغییر در متن یا ساختمان ترکیبی قرآن بلافاصله آشکار می‌شود. بر اساس این دیدگاه، ساختمان قرآن ریاضی محض است و بر اساس نوزده حرف بودن عبارت «بسم‌الله الرحمن الرحیم» می‌توان از اعجاز ریاضی کابریز حروف و کلمات در آیات و سوره قرآن سخن گفت و اساس این اعجاز جاودانی

بر یک نظام عجیب ریاضی مرتبط با حروف مقطعه قرآنی مبتنی است (فاطمی، ۱۳۷۴ش، ص ۸).

علامه طباطبایی معتقد است که بین حروف مقطعه و مضامین سوره‌های مربوط بدان، ارتباطاتی وجود دارد (رک. طباطبایی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۸، ص ۹). برخی اثبات چنین فرضیه‌ای را نیازمند به روش‌های آماری، محاسبات ریاضی، تجزیه و تحلیل‌های فنی، اطلاعات کمی و خدمات ماشینی و رایانه‌ای می‌دانند، و اگر این فرضیه یا روش‌های توصیفی و تحقیقات میدانی و عملیات ریاضی و آماری پی‌گیری شود و روابط همبستگی و تابعیت و غیر آن بین حروف مقطعه و مضامین سوره‌ها و... کشف گردد، ممکن است با تعبیر و تفسیرهایی به این نظریه منتهی گردد که حروف مقطعه شاخص‌های نمادین و رمزی و کدهای الگوبایی هستند و به بسامد و توزیع و فراوانی موضوعات و مطالب سوره‌های قرآنی، و چندوچون نظم و سازمان لفظی - معنایی قرآن اشاره می‌کنند (فراستخواه، ۱۳۷۶ش، ص ۲۸۵).

همچنین، در خصوص ترتیب نزول اولیه قرآن و تفاوت آن با ترتیب کنونی تحقیقات دامنه‌داری به روش‌های علمی و ریاضی انجام گرفته است. نویسنده کتاب «سیر تحول قرآن» با استفاده از روش‌های ریاضی و با پیش‌فرض‌های نولدکه آلمانی و بلاشر فرانسوی راه آن دو را پیش گرفت، اما نتایجی که به دست آورد بسیار متفاوت با نتایج آنان بود. وی مدعی است که با به کارگیری روش علمی و به خصوص روش ریاضی به دو هدف مهم دست یافته است: اول اثبات الهی بودن و وحیانی بودن قرآن، دوم ترتیب نسبتاً دقیق آیات (رک. بازرگان، ۱۳۶۰ش، ص ۸؛ جعفری، ۱۳۷۵ش، ص ۱۱۴). وی به دنبال یافتن پاسخی برای این سؤال بود که آیا گوناگونی آیات قرآن در قالب و محتوا از یک قاعده و نظام تبعیت می‌کند یا تصادفی است؟ به عبارت دیگر، رابطه میان سیر تحول قرآن و زمان یا تاریخ‌های نزول در طول ۲۳ سال رسالت چیست؟ و در نهایت می‌خواست با بررسی ترتیب نزول مطالب و محتوای آیات، سیر تحول موضوعی قرآن را به دست آورد (جعفری، ۱۳۷۵ش، ص ۱۰۷). برخی کار وی را تأیید کرده و آن را کلید علمی وحی کلامی نامیده‌اند (شریعتی، ۱۳۶۱ش، ص ۴۶).

۲-۳. کارآیی روش حسی و تجربی در علوم قرآن

برخی معتقدند از روش حسی و تجربی می‌توان به عنوان روشی در دستیابی به معرفت دینی استفاده کرد و از نظر قرآن تنها راه شناخت خداوند، مطالعه در طبیعت و مخلوقات با استفاده از روش حسی است (رک. مطهری، ۱۳۷۳ش، ج ۶، ص ۸۹۱). همچنین روش قابل قبول در تفسیر قرآن نیز روشی است که مبتنی بر حس و تجربه باشد (رک. طباطبایی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۷).

دانشمندان اسلامی در نحوه استفاده از دستاوردهای دانش تجربی در تفسیر قرآن به سه شیوه عمل کرده‌اند: برخی کوشیده‌اند با توجه به وجود برخی آیات نظیر «...ولا رطب ولا یابس الا فی کتاب مبین» (انعام: ۵۹) همه علوم را از قرآن استخراج کنند (رک. ذهبی، ۱۹۷۶م، ج ۲، ص ۴۹۸). برخی دیگر آیات قرآن را بر اساس علوم تجربی تفسیر نموده و تلاش کرده‌اند آیات را با قوانین طبیعی و فیزیکی منطبق سازند. بر این اساس، تنها تفسیر قابل قبول تفسیر علمی است و باید قرآن را در پرتو نظریات و تجربیات علمی بشر تفسیر کنیم (رک. طباطبایی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۷). علاوه بر دوره کامل و مبسوط تفسیر ترتیبی «الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم» اثر طنطاوی، نمونه‌هایی از این رویکرد را می‌توان در تفسیر «القرآن و العلم الحدیث» (نوفل، ۱۹۷۳م، ص ۱۵۶) و تفسیر «فی ظلال القرآن» (قطب، بی تا- الف، ج ۱، ص ۲۶۰) دید. شیوه سوم در تفسیر علمی این است که علوم را به استخدام قرآن درآورده و از دستاوردهای قطعی علوم تجربی برای روشن شدن معنا و فهم مدلول آیاتی از قرآن که حاوی اشارات علمی هستند، استفاده کنیم.

۳-۳. کارآیی روش تاریخی در علوم قرآن

اصلی‌ترین کارآیی روش‌های تاریخی در علوم قرآن را می‌توان در مباحث مربوط به «تاریخ قرآن» از بدو نزول تا رحلت پیامبر اکرم (ص) و کیفیت جمع‌آوری قرآن دانست. اصطلاح تاریخ قرآن در قرن اخیر نخستین بار توسط نولدکه آلمانی و بلاشر فرانسوی پیشنهاد شده است. در سال ۱۹۴۵م. که ترجمه بلاشر از قرآن منتشر شد، کار او مقدمه‌ای داشت که مورد توجه علاقمندان قرار گرفت و این اثر روشن‌ترین نمودار

انتقاد منابع و مباحث تاریخی و لغوی و ادبی شناخته شد. در این اثر او بر کار معروف نولدکه در «تاریخ قرآن» تکیه داشت که بعدها توسط شبوالی، برگشتراسر و اتوپرتزل توسعه یافت. بلاشر در این امر بر مباحث معنوی، تاریخی، تنظیم دوباره آیات بر حسب نزول، مکی و مدنی بودن آیات تکیه زیادی می‌کند (رامیار، ۱۳۶۹ش، ص ۴). علامه طباطبایی ضمن مخالفت با روش کار مستشرقان، معتقد است که اصولاً «تاریخ قرآن» عنوانی است که با وضع خاص و امتیازات کتاب آسمانی اسلام نمی‌تواند سازگاری داشته باشد (رک. طباطبایی، ۱۳۷۶ش، صص ۱۹۶-۱۹۹). برخی از دانشمندان اسلامی نیز معتقدند علت سردرگمی و به ابهام گراییدن مسائل مربوط به تاریخ قرآن رواج نظریات خاورشناسی است که روایات مربوط به تاریخ قرآن را بدون توجه به نقد علمی از حیث سند و متن مورد بهره‌برداری قرار داده‌اند. بنابراین، بهترین راه بررسی مسائل مطرح‌شده در تاریخ قرآن، رجوع به متن قرآن است (دروزه، ۱۳۵۹ش، ص ۸).

علاوه بر مسائل مربوط به تاریخ قرآن بسیاری از مسائل دیگر تاریخی به مباحث علوم قرآن مربوط می‌شوند. مباحثی همچون حالات پیامبر اکرم (ص) قبل و پس از نزول و کتابت قرآن، کاتبان و حافظان قرآن، تاریخ شکل‌گیری نخستین تفاسیر و ترجمه‌های قرآن، قرائات قرآنی و... از جمله مباحثی است که به رغم مطرح بودن آنها در حوزه علوم قرآن، در کتاب‌های تاریخ و سیره به آن توجه شده است و آنچه از این نوع مباحث در منابع علوم قرآن آمده، عموماً به کتاب‌های تاریخی مثل «تاریخ طبری»، «سیره ابن اسحاق»، «سیره ابن هشام»، «مروج الذهب مسعودی»، «تاریخ ابن خلدون»، «کامل ابن اثیر» و... ارجاع و استناد داده شده است.

۳-۴. کارآیی روش‌های علم کلام در علوم قرآن

تبیین چگونگی وحی در باره پیامبران و چندوچون وحی بر پیامبر اکرم (ص)، تبیین معجزه بودن قرآن و وجوه اعجاز آن، تحدی قرآن و ناکامی معارضان آن در عرصه هم‌آوردی و اثبات تحریف‌ناپذیری قرآن از جمله مباحث علوم قرآن است که با علم کلام اشتراک دارد. همچنین، مباحث مربوط به محکّمات و متشابهات قرآن از مباحث عمده فرقه‌های کلامی از قبیل اشاعره، معتزله، امامیه، ماتریدیه، کرامیه و... است. علاوه

بر آن متکلمان در جدال‌های مذهبی و اعتقادی، سخت به قرآن و مفاهیم آن نیازمند بوده‌اند و در اثبات مدعای خود و نیز برای رد معتقدات مخالفان به آیات قرآن متوسل می‌شده‌اند.

بسیاری از صاحب‌نظران علوم قرآن، علم کلام را نیز در ردیف مقدمات علمی مفسر بر شمرده و آگاهی بر مباحث و موضوعات آن را برای مفسر ضروری دانسته‌اند (سیوطی، ۱۳۶۰ق، ج ۲، ص ۳۹۹) و معتقدند پرداختن به تفسیر قرآن قبل از معرفت کامل صفات الهی و عدل و سایر مسائل علم کلام، به منزله پرداختن به فرع قبل از محکم نمودن اصل است. به نظر آنان، این نیاز از آن روست که این علم نقش مؤثری در توضیح آیات اعتقادی قرآن - که بخش قابل توجهی از متن آن را تشکیل می‌دهد - ایفا می‌کند. بنابراین، آشنایی با علم کلام و مباحث و براهین آن، در فهم آیات و مفاد آن‌ها تأثیر به‌سزایی خواهد گذاشت، چنان‌که در برخی موارد، گریزی از این بهره‌گیری نیست؛ مثلاً خداوند متعال در آیه کریمه «لو كان فيهما آلهة الا الله لفسدتا...» (انبیاء: ۲۲)، برای اثبات توحید برهان اقامه کرده است. در این برهان، ملازمه‌ای بین تعدد معبودها (آلهه) و فساد جهان برقرار شده است. آشنایی با مباحث کلامی می‌تواند در تبیین این ملازمه نقش اساسی داشته باشد و با روشن شدن ملازمه مزبور، مقصود خداوند از این آیه دقیق‌تر فهمیده می‌شود (سبحانی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۶۸). همچنین، در آیه «...وما كان معه من اله اذا لذهب كل اله بما خلق ولعلا بعضهم على بعض...» (مؤمنون: ۹۱). بر توحید در ربوبیت اقامه برهان شیده و این آیات همراه با استدلال مربوطه در علم کلام مورد بحث قرار گرفته است و آشنایی با علم کلام در شناخت این براهین و مبادی و نحوه دلالت آن‌ها و در نتیجه تفسیر و توضیح مراد این قبیل آیات مؤثر خواهد بود.

علاوه بر آن، قرآن در بسیاری از آیات خود، به موضوعاتی نظیر صفات خداوند متعال و وحی و نبوت و رستاخیز و دیگر موضوعات کلامی پرداخته و برای اثبات آن‌ها اقامه دلیل کرده است. بنابراین، روشن شدن جایگاه و قلمرو این موضوعات و براهین عقلی و نقلی‌ای که در کتب کلامی بر آن‌ها اقامه شده است، می‌تواند در فهم آیات اعتقادی قرآن کریم نقش مهمی داشته باشد.

۳-۵. کارآیی روش علوم حدیثی در علوم قرآن

علوم قرآن به سان همه یا عموم دانش‌های اسلامی همچون تاریخ، سیره، کلام، فقه و... نخست در دامان علوم حدیثی شکل گرفته است؛ به این معنا که تمام گزاره‌های مربوط به تاریخ قرآن، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ در گفتارهای تفسیری پیامبر اکرم (ص) و صحابه در قالب روایات و با برخورداری از سلسله اسناد انعکاس یافته و آن گاه به تدریج به بیان سایر علوم اسلامی از حدیث جدا شده است (الخولی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۴۷). بنابراین، نخستین بستر انعکاس آموزه‌های علوم قرآن را باید در روایات جست. برای مثال، آنچه از رسول اکرم (ص) در باره چگونگی نزول قرآن، نام‌گذاری کتاب آسمانی و سوره‌ها یا احیاناً آیه‌های آن، مبحث قرائات و چگونگی تلاوت قرآن، تفسیر برخی از آیات، ارائه برخی از مبانی تفسیر و بر حذر داشتن از تفسیر به رأی و امثال آن‌ها نقل شده، دستمایه‌های اولیه شکل‌گیری گزاره‌های مربوط به علوم قرآن را فراهم ساخته است. بر این اساس، در آن بخش از علوم قرآن که در دامان علوم حدیثی شکل گرفته است، به کارگیری شیوه‌های مربوط به علوم حدیثی ضروری خواهد بود.

این نکته را نیز باید افزود که به رغم جدا شدن و استقلال علوم قرآن از حدیث، همچنان بهترین منبع برای دستیابی به گزاره‌های علوم قرآن، جوامع حدیثی می‌باشند. کلینی افزون بر نقل روایات فراوان در زمینه علوم قرآن در ابواب مختلف کتاب «الکافی»، بخش خاصی را نیز به «فضل القرآن» اختصاص داده (رک. کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۲، ص ۵۹۵ به بعد) و نیز محمدباقر مجلسی در کتاب «بحارالانوار» فصلی را به این مبحث اختصاص داده است (رک. مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۹). همچنین بخاری در نخستین باب از کتاب «الجامع الصحیح» با عنوان «بدء الوحی» از ماجرای نزول وحی و بعثت پیامبر اکرم (ص) سخن به میان آورده و افزون بر آن ابوابی را با عناوین «فضائل القرآن»، «الاعتصام بالکتاب و السنه» و «کتاب التفسیر» در کتاب خود آورده است (رک. بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۱، صص ۲۱-۲۳). این الگو در «صحیح» اثر مسلم، «سنن» اثر ابی داوود و «جامع» اثر ترمذی نیز پیروی شده است. همچنین بسیاری از روایات تفسیری به طور صریح یا با اشاره به مباحث علوم قرآن به ویژه منطق فهم و تفسیر قرآن ناظر است. چنان که در تفاسیر «نورالثقلین» اثر حویزی، «البرهان» اثر بحرانی و

«الصافی» اثر فیض کاشانی در آغاز ذکر هر روایت تفسیری، منبع حدیثی آن‌ها نیز ذکر شده است. این امر در تفسیر «الدر المثور» اثر سیوطی نیز مشهود است. بنابراین، یکی از موارد عمده کارایی روش‌های علوم حدیثی در حوزه علوم قرآن مربوط به بررسی روایات تفسیری خواهد بود که اغلب نیازمند نقد متنی و سندی هستند، چنان که در خصوص «تفسیر طبری» گفته‌اند: وی در صدد جمع‌آوری مطالب صحیح نبوده، بلکه روایات مربوط به هر آیه را اعم از درست و نادرست، روایت کرده است. (سیوطی، ۱۳۶۰ق، ج ۲، ص ۱۸۹). همچنین ابن‌خلدون به طور کلی در مورد مؤلفان تفاسیر نقلی معتقد است کتاب‌ها و مقولات ایشان دربردارنده مطالب سست و مردود و نیز نکات قوی و پذیرفتنی است (ابن‌خلدون، ۱۳۶۶ش، ج ۱، ص ۳۰۸). به هر حال احتمال راه یافتن جعل و وضع در روایات تفسیری بسیار زیاد است، چنان که کتابی به نام «تنویر المقباس من تفسیر ابن‌عباس» در حدود چهارصد صفحه چاپ شده که منسوب به ابن‌عباس است (استرآبادی، ۱۳۷۷ق)، حال آنکه از شافعی نقل شده که از ابن‌عباس، چیزی بیش از صد حدیث تفسیری ثابت نشده است (الخولی، بی تا، ج ۱، ص ۳۵۰).

روایات مربوط به اسباب النزول نیز از جمله مواردی است که به روش علوم حدیثی قابل نقد و بررسی است، چنان که عده‌ای معتقدند برای شناخت اسباب‌النزول هیچ راهی جز روایت صحیح وجود ندارد (زرقانی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۱۵). به همین جهت، پیشینیان حتی الامکان از بیان شأن نزول پرهیز می‌کردند و معتقد بودند کسانی که عالم به شأن نزول بوده، از بین رفته‌اند و دیگران هرچه بگویند، اختراع، دروغ و افتراء خواهد بود (واحدی، ۱۳۶۲ش، ص ۱۹).

۳-۶. کارایی روش زیباشناسی در علوم قرآن

توجه به ساختار زیباشناختی و هنری قرآن یکی از روش‌های شناخت قرآن است. همه کسانی که در باره اعجاز قرآن سخن گفته‌اند، به این جنبه مهم قرآن نیز پرداخته‌اند تا جایی که اولین آثار که در صدر فهرست منابع قرآن قرار گرفته‌اند، موضوعی جز این ندارند. بسیاری از پژوهشگران معاصر نیز قرآن را از جنبه زیباشناختی مطالعه کرده و به جنبه‌های شعری و موسیقایی قرآن و تأثیر آن بر شنوندگان و همچنین، تأثیر شفاهی و

شنیداری آن بر وجوه مختلف فرهنگ و دین مسلمانان پرداخته‌اند (رک. کرمانی، ۱۹۹۹م).

بحث در باره زیبایی‌های هنری قرآن از دو منظر قابل بررسی است: دیدگاه اول این است که جنبه زیبایی‌شناختی آیات قرآن را به عنوان معجزه تلقی کنیم، در این صورت، نگاه ما نگاهی درون‌دینی خواهد بود. حداکثر کارکردی که برای این نوع دیدگاه قابل تصور است، اسکات خصم و اثبات حقانیت آورنده قرآن است. اما دیدگاه دوم این است که قرآن را فارغ از اینکه کتاب دینی مسلمانان است، به مثابه یک آفرینش هنری در چشم‌انداز محققان اعم از مسلمان و غیرمسلمان قرار دهیم. فایده رویکرد دوم به ساختار و متن قرآن این است که می‌تواند مخاطبان زیادی را به سوی خود بخواند.

در منابع تاریخی و روایات دینی، حکایات و وقایع بسیاری نقل شده است که مردمان سخت‌دلی، در مواجهه با الفاظ و فصاحت قرآن مغلوب شده‌اند و بدان دل باخته‌اند (رامیار، ۱۳۶۹ش، صص ۲۱۳-۲۱۸). هر کس آیاتی از قرآن را می‌شنید، جز تسلیم شدن در برابر آن راهی نداشت. صدای خالص قرآن، همه اجزای مغز شنونده را لمس می‌کرد و این همانند متنی که بر او خوانده شود، نبود بلکه همچون چیزی بود که در روح او، ذوب و آمیخته شود (رافعی، ۱۳۸۱ق، ص ۱۶). فهمیدن زیبایی‌ها و برتری‌های لفظی قرآن اختصاص به گروه مؤمنان ندارد. این زیبایی‌ها در اسلوب بیانی قرآن نهفته است و هر سخن‌شناس زبان‌دانی این خصلت زبانی قرآن را می‌بیند. نقل تاریخی نشان می‌دهد که دشمنان سخن‌شناسی مثل ولید بن مغیره، اخنس بن شریق و ابوجهل نیز برای شنیدن آوای دلربای قرآن استراق سمع می‌کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۹ق، ج ۵، ص ۲۸۷).

از خاورشناسان، رژی بلاشر و پتروشفسکی هر دو از شور و شیفتگی مسلمانان نسبت به زبان قرآن سخن گفته‌اند (رک. بلاشر، ۱۳۷۶، ص ۲۷ و ۴۶؛ پتروشفسکی، ۱۳۵۴ش، ص ۱۱۱). صبحی صالح معتقد است قرآن بیش از هر کتاب دیگری بر تناسب و هماهنگی هنری میان کلمات و عباراتش اصرار ورزیده است (رک. صالح، ۱۹۷۷م، ص ۲۳۸). برخی معتقدند قرآن نه شعر است و نه نثر و نه کلامی مسجع بلکه قسمی معماری سخن است که موسیقی درونی را آشکار می‌سازد (محمود، بی‌تا، ۴۴۵)؛ یعنی

علاوه بر موسیقی کلامی یک نوع موسیقی درونی نیز در کلام قرآن وجود دارد که احساس شدنی است، اما تن به تشریح نمی‌دهد، این موسیقی در تاروپود الفاظ و در ترکیب دزون جمله‌ها نهفته است و فقط با احساس ناپیدا و با قدرت متعال ادراک می‌شود (قطب، ۱۳۹۳ق، صص ۸۰-۸۳). می‌توان گفت که قرآن کریم همه تلاش خود را صرف پیام‌رسانی و مخابره خیر نکرده است. این کتاب شگفت‌ناگ حاوی پیام‌های بزرگ و ارزشمندی است، اما همین پیام‌ها در زیباترین قالب‌های هنری ریخته شده است. لذا برخی از اندیشمندان معتقدند بهترین روش استفاده از قرآن تأکید بر جنبه‌های هنری و ویژگی‌های ادبی قرآن است تا در پرتو آن، اندیشه‌ها زیبایی‌های نهفته او را درک کند (رک. قطب، بی‌تا- ب، ص ۱۰).

بسیاری از غربیان به جای پاسخ‌گویی به پرسش‌های قدیمی در باب منشأ و خاستگاه قرآن، ارتباط قرآن با متون دینی پیش از خود، تقویم و تاریخ‌گذاری آیات و سور قرآن، مسئله قرائات و تاریخ جمع و تدوین قرآن، اکنون ترجیح می‌دهند با همین قرآن- آن گونه که در ذهن و ضمیر مسلمانان طی قرون متمادی حضور داشته است- سروکار داشته باشند. بنابراین سعی می‌کنند با رویکرد ادبی به قرآن و تلقی آن به مثابه یک متن ادبی به جنبه‌های زیباشناختی آن توجه کنند (کرمانی، ۱۹۹۹م).

۳-۷. کارآیی روش علوم ادبی در علوم قرآن

مطالعه اجمالی در تفاسیر پیشین نشان از حضور علوم ادبی در لابه‌لای تفسیر آیات و شرح معانی آن‌ها دارد. نخستین رساله‌های مستقل در این زمینه با عنوان نظم قرآن در حدود سال‌های ۲۵۰ تا ۳۰۰ هجری تألیف شده است. «اعجاز القرآن» اثر باقلانی، «دلایل الاعجاز» اثر جرجانی و «الکشاف» زمخشری، از این قبیل تألیفات به شمار می‌روند (رک. باقلانی، ۱۹۸۶م؛ جرجانی، ۱۳۶۸ش؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق).

در بیشتر این کتاب‌ها شگردهای ادبی زبان وحی مورد بحث قرار گرفته و عموماً از آن به عنوان اعجاز ادبی و بلاغی قرآن نام برده شده است. در میان همه علوم که قرآن موضوع آن‌هاست، علوم ادبی و فنون بیانی توجه دامنه‌دارتری را به خود اختصاص داده است. کتاب‌هایی مانند «المفردات فی غریب القرآن» اثر راغب اصفهانی

و «مجمع البحرين» اثر طریحی، برای تبیین مفاهیم واژه‌های قرآن کریم فراهم آمده‌اند (رک. راغب، ۱۳۶۲ش؛ طریحی، بی‌تا). حتی منابع عام لغت مثل «لسان العرب» اثر ابن‌منظور و «تاج العروس» اثر زبیدی مشحون از مباحث واژه‌شناسی آیات قرآن است و ابن‌منظور در مقدمه «لسان العرب» تصریح می‌کند که این کتاب را برای خدمت به قرآن و تسهیل فهم و تفسیر آن فراهم ساخته است (رک. ابن‌منظور، ۱۴۰۵ق؛ زبیدی، ۱۳۸۶ق). کتاب‌هایی همچون «الکفایه» اثر رضی‌الدین استرآبادی، «شرح الکافی» اثر جامی و «مغنی الاریب عن کتب الاعراب» اثر ابن‌هشام برای بازشناسی ساختارهای صرفی و نحوی آیات تدوین شده‌اند. کتاب «مغنی» در جای‌جای مباحث خود مشحون از استشهاد به آیات است. چنان‌که مشهور است، عبدالقاهر جرجانی، سکاکی و تفتازانی برای نشان دادن وجوه اعجاز بیانی قرآن سه دانش معانی، بیان و بدیع را پدید آوردند. بر این اساس، افزون بر استشهاد فراوان به آیات قرآن در جای‌جای مباحث این علوم، بخشی از علوم قرآن به همین مباحث اختصاص یافته است.

مؤلف «المیزان فی تفسیر القرآن» نیز از میان همه علوم دخیل در تفسیر قرآن، علوم ادبی، (اعم از نکات ادبی و اسلوب ادبی) را با اهمیت تلقی کرده و آنها را در تفسیر خود به کار برده است (رک. طباطبایی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۲). می‌توان گفت روش تفسیری ایشان بر مبادی و پیش‌فرض‌های برون‌دینی از قبیل جواز استفاده از نکات ادبی در فهم و تفسیر قرآن و اعتبار روش کشف نکات ادبی قرآن کریم در ادبیات عرب استوار است. زرکشی معتقد است فردی که در صدد کشف معانی آیات است، به دانستن علم لغت نیازمند است و شناخت این فن برای مفسر امری ضروری است و گرنه اقدام به تفسیر کتاب الهی برای او روا نیست (زرکشی، ۱۳۹۱ق، ج ۱، ص ۴).

از میان علوم ادبی که در تفسیر قرآن نقش کلیدی دارند، می‌توان به علم لغت، علم تصریف، علم نحو، علوم بلاغت (علم معانی، علم بیان و علم بدیع) اشاره کرد (رک. جرجانی، ۱۳۶۸ش، ص ۲۳؛ ایزدی، ۱۳۷۶ش، صص ۶۴-۷۰؛ خوبی، ۱۳۹۴ق، صص ۴۸-۵۱؛ میرمحمدی، ۱۴۰۰ق، صص ۲۱۴-۲۱۶).

۳-۸ کارآیی روش نقد ادبی در علوم قرآن

نقد ادبی به امر خوانش، تأویل و تفسیر متن یا متن‌هایی خاص می‌پردازد که از برجسب ادبیات برخوردارند (وبستر، ۱۳۸۰ش، ص ۱۶). در نقد ادبی، متن و ساختارهای شکل‌گیری آن با در نظر گرفتن همه اجزاء شامل زمینه،^۱ طرح،^۲ فضا،^۳ درون‌مایه،^۴ شخصیت،^۵ ساختار^۶ و سبک^۷ و ارتباط بین آن‌ها بررسی می‌شود (Guerin, 1978, pp.9-16).

بر این اساس، می‌توان هر تفسیری را نوعی نقد به حساب آورد و روشی را که مفسر انتخاب کرده، یکی از شیوه‌های نقد ادبی نامید. جان ونزبرو، استاد مطالعات سامی در مدرسه مطالعات شرقی - آفریقایی و دانشگاه لندن در کتاب «مطالعات قرآنی» با به کارگیری روش‌های نقد ادبی و تحلیل ادبی زایج در مطالعات توراتی و انجیلی و تطبیق آن‌ها بر قرآن، سعی کرد نشان دهد که تمامی این متون قدیمی صرفاً «تاریخ نجات»^۸ به معنای مسیحی آن هستند. از نظر وی مجموعه تمام مستندات اسلامی در دوره‌های نخست را باید «تاریخ نجات» به شمار آورد. آنچه قرآن بر آن گواهی می‌دهد، و آنچه تفسیر، سیره نبوی و مکتوبات کلامی در صدد بیان آن هستند، این است که خداوند چگونه سلسله حوادثی - این جهانی را حول محور زمان و مکان حضرت محمد (ص) هدایت کرده است. همه اجزای سازنده این تاریخ نجات اسلامی، به قصد بیان یک نکته عقیدتی تبیین شده‌اند و آن عبارت است از: فهم و شناختی از تاریخ که نقش خداوند را در هدایت امور بشر نشان می‌دهد (Rippin, 1995, pp.151-163). ونزبرو معتقد بود که قرآن به مثابه منبعی که قابلیت تحلیل با ابزارها و فنون نقد توراتی و انجیلی را دارد، باید مورد پژوهش قرار گیرد. وی در تجزیه و تحلیل خود راجع به قرآن روش‌های خاص متعددی مانند تحلیل صورت و تحلیل قالب شفاهی را به کار می‌گیرد (Rippin, 1995, pp.151-163). فضل‌الرحمن ضمن مخالفت با بسیاری از دیدگاه‌های ونزبرو در یک مسئله با او همداستان شده و می‌گوید: من به جد معتقدم که این نوع پژوهش قرآنی (یعنی تطبیق و مقایسه با یهودیت و مسیحیت) می‌تواند بی‌اندازه سودمند باشد (Fazlur Rahman, 1980, p.14). در میان نویسندگان مسلمان امین الخولی، استاد علوم قرآن دانشگاه الازهر، در کتاب «مناهج التجدید فی النحو و البلاغه و التفسیر»

تأکید می‌کند که قرآن مقدس‌ترین کتاب هنری عرب است و پژوهش ادبی قرآن باید هدف اصلی و نهایی باشد. به نظر وی پژوهش اصلی در قرآن باید تحت این عنوان که یک اثر فرهنگ و تمدن عربی است، انجام پذیرد (الخولی، بی‌تا، ج ۱ ماده تفسیر). برخی از شاگردان وی از جمله نصر حامد ابوزید دیدگاه وی را ادامه داد و با نگارش کتاب‌های «نقد الخطاب الدینی» و «مفهوم النص»، نص قرآنی را به عنوان یک متن ادبی تلقی کرد که با شیوه‌های پژوهشی زبان‌شناسی قابل مطالعه است و معتقد شد که مقاصد و مفاهیم قرآن تنها باید در حوزه تحقیقات ادبی و متن زبانی استخراج گردد. بدین ترتیب «نظریه شاهکار ادبی بودن قرآن» به تفسیر هرمنوتیک منجر گردید (رک. ابوزید، ۱۹۹۶م، صص ۲۴-۲۵ و ۲۱۹).

در روش‌های تفسیری پیشینان، که به روش سمانتیک^{۱۴} مشهور بود، منظور از تفسیر کتاب‌های مقدس از جمله قرآن، کشف قصد مؤلف بود و مفسر می‌خواست مراد خداوند از آیات را به دست آورد. به عبارت دیگر، آنچه در فضای سمانتیکی اصل تلقی می‌شد، منفعل بودن مخاطب و حفظ بی‌طرفی در شنیدن پیام و سعی در شکار مقصود گوینده بدون دخالت ذهنیت شنونده بود (Kalish, 1967, p.385). اما در روش هرمنوتیک^{۱۵} مفسر در پی کشف نیت مؤلف نیست بلکه بر مطلق فهم تأکید دارد. در این روش، رأی و دیدگاه مفسر، محور فهم متن قرار می‌گیرد. در فضای هرمنوتیکی لزومی ندارد معنا را در گرو قصد گوینده بدانیم، آنچه مهم است، فهم مخاطب است. بر اساس این دیدگاه، گرچه متن، فرآورده ذهنیت مؤلف است، به مجرد آنکه به صورت یک متن به دست خواننده می‌افتد، معنای خاصی کسب می‌کند. رولان بارت در کتاب «مرگ مؤلف» به این نکته اشاره می‌کند که باید به دنبال استقرار آزادانه معنا در درون خود اثر به جای ذهن مؤلف بود (Barthes, 1997, p.143). میشل فوکو نیز معتقد است که بر حسب نام مؤلف بر اثر او را می‌توان مانعی در چرخه آزاد معرفت به حساب آورد (Focalt, 1980, pp.141-160). چنین نقدی که می‌توان آن را «نقد متن‌محور» نامید، در دو سطح بیرونی و درونی انجام می‌گیرد (Cristal, 1987, p.100). نقد بیرونی بیشتر به نمای متن می‌نگرد و ارتباط بین اجزای بیرونی متن در سطح ارتباط بین واژگان، آواها، چینش اجزای متن و ارتباط و کنش متقابل بین آن‌ها را بررسی می‌کند، ولی در

نقد درونی بیشتر حوزه معانی و ساختارها و شبکه‌های معنایی متن و درون‌مایه آن مورد مذاقه و جستجو قرار می‌گیرد.

۳-۹. کارآیی روش‌های علم زبان‌شناسی در علوم قرآن

زبان عبارت از دستگاه نظام‌یافته‌ای از علائم صوتی است که برای ارتباط میان افراد جامعه به کار می‌رود و زبان‌شناسی علمی است که حالات و عوارض و قواعد و قوانین زبان را بررسی می‌کند.

نخستین رابطه علوم قرآن با علم زبان‌شناسی را می‌توان در مباحث مربوط به «علم تجوید» دید. علم تجوید یکی از شاخه‌های علم زبان‌شناسی است که به بررسی صورت صوت می‌پردازد و تکیه‌گاه‌ها، اندام‌ها، گردش زبان و دیگر خصوصیات را که به هنگام ادای صوت در جهاز تنفسی پدید می‌آید، بررسی می‌کند. علم تجوید که آن را «آواشناسی تولیدی» نیز می‌گویند، در مباحث مربوط به فونتیک و آواشناسی در زبان‌شناسی مطالعه می‌گردد (رک. لسانی فشارکی، ۱۳۸۵ش، ج ۱۴، صص ۵۹۶-۵۹۹).

از دیگر موارد کاربرد زبان‌شناسی، علم تفسیر است. کلمات از این نظر که دارای چه معنایی هستند، موضوع علم تفسیرند. تشخیص معنا کار ساده‌ای نیست و عوامل زیادی باعث می‌شوند که حتی اهل زبان در تشخیص معنای کلمات دچار تردید شوند و اگر بخواهیم از بین مصادیق زیادی، که یک معنا دارد، مصداقی را که مقصود متکلم بوده است، بفهمیم، کار مشکل‌تر نیز خواهد بود؛ برای مثال، در کلماتی مانند عدالت، عشق، دوست داشتن و غیره معنای کلمات لغزنده‌ترند و فهم مصادیق آن‌ها را مشکل می‌نمایند (هال، ۱۳۷۱ش، ص ۱۳۳). مشکل فهم معنا در باره لغاتی که معانی آن‌ها از حریم انس و عادت و حس و ماده به دور است، بسیار بیشتر از دیگر کلمات است؛ لغاتی مانند الله، ملک، شیطان، بهشت و جهنم از کلماتی هستند که فهم معنا و تشخیص مصادیق آن‌ها کار آسانی نیست. عده‌ای معتقدند در تفسیر منحصرأ باید به ظاهر توجه داشت و هرگز نباید از معنای ظاهری عدول کرد. «کرامیه» طرفدار این عقیده‌اند. در نتیجه در درک معنای استواء در مورد خداوند به گمراهی افتاده و استواء خدا بر عرش را نشستن خداوند بر عرش معنا کرده‌اند (بغدادی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۱۷)، در حالی که

فخررازی، غزالی و همچنین معتزله، امامیه و بسیاری از کسانی که با تعمقی بیشتر در قرآن مطالعه کرده‌اند، با توجه به آیات تنزیه و مبری بودن خداوند از مکان، استواء را به معنای سیطره، سلطه و استیلای خداوند بر جهان هستی معنا کرده‌اند (دادبیه، ۱۳۶۵ش، ص ۱۴۸). چنان که یکی از دلایل پیدایش فرقه‌های کلامی در اسلام نتیجه برداشت‌های مختلف از کلمات و آیات قرآن بوده است.

مباحثی نظیر اشتراک معنوی، بافت و سیاق، معانی مجازی کلمات، تحول معنایی زبان، نقش موقعیت در معنای سخن، محدوده جغرافیایی و فرهنگی کلمات و امثال آن‌ها مباحثی هستند که در زبان‌شناسی جایگاه ویژه‌ای دارند و آشنایی با آن‌ها به فهم و تفسیر صحیح آیات قرآن کمک خواهد کرد. اصطلاحاتی نظیر اشتراک لفظی، وجوه و نظائر در آثار قرآن‌پژوهان سنتی از جمله مباحث امروزی زبان‌شناسی محسوب می‌شوند، چنان که در آثار قرآن‌پژوهان شیعی، نظیر ملاصدرا و علامه طباطبایی، تداخل مفاهیم واژگانی به همراه انواع بافت‌ها و سیاق‌های مربوط، در مباحث مربوط به اشتراک معنوی و دلالت عام جای گرفته‌اند (پرچم، ۱۳۸۵ش، ص ۴). زبان‌شناسان به بافت در شکل‌گیری دلالت اهمیت داده، برای آن انواع و اقسام مختلف قرار داده‌اند. دانشمندان منطق در زبان عربی نیز به مطابقت کلام با مقتضای حال، عنایت داشته و آن را شرط لازم برای خطاب ادبی و بلیغ بر شمرده‌اند (هاشمی، ۱۳۶۷ش، ص ۳۷). زرکشی نیز بافت زبانی را «سیاق» می‌نامد و می‌گوید: سیاق است که به تبیین امور مجمل و تخصیص دادن عام و مقید نمودن مطلق و تنوع دلالت رهنمون می‌شود و این از بزرگ‌ترین قرینه‌های دال بر مراد متکلم است و هر کس که این را وانهد، در دیدگاه‌هایش دچار اشتباه می‌شود (زرکشی، ۱۳۹۱ق، ج ۲، ص ۲۸۸). با توجه به مراتب یادشده، می‌توان گفت تفسیر قرآن بدون توجه به علم معناشناسی^{۱۶} که یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی است، علمی ناموفق خواهد بود. معناشناسی پایه تفسیر است و تنها با اصول معناشناسی است که تفسیر می‌تواند به وظیفه خود عمل کند. ایزوتسو توجه به نقش کلمات کلیدی در تفسیر را از مسائل مهم معناشناسی می‌داند و معتقد است که لغات کلیدی قرآن در تفسیر آیات آن نقش مهمی دارند (رک. ایزوتسو، ۱۳۶۸ش). از نظر وی، کلمات کلیدی قرآن لغاتی سرشار از بار فرهنگی خاصی هستند

که برای توضیح جهان‌شناسی قرآن، هستی‌شناسی قرآن، اخلاق در قرآن، انسان در قرآن و شناخت هر مسئله‌ای که فرهنگ قرآن، عهده‌دار ارائه آن شده است، باید به آن لغات توجه کرد. برخی از این لغات کلیدی عبارت‌اند از: الله، طاغوت، ایمان، کفر، ظلمات، نور، استضعاف، استکبار (رک: ایزوتسو، ۱۳۶۸ش). وظیفه مفسر آن است که نخست خصوصیات مفهومی این لغات را مشخص سازد و سپس آن‌ها را به صورت یک لغت محوری در دائرة معنائشناختی قرار دهد. بلافاصله کلماتی دیگر در اطراف این محور پدید می‌آیند که قبل از قرآن چنین نبوده است؛ مثلاً لغات مرتبط با لغت کلیدی «صلوه» عبارت‌اند از: الله، کعبه، قبله، خضوع، خشوع، طهارت، نیت، قربت، خلوص و لغاتی دیگر که مجموع آن‌ها در تبیین معنای «صلوه» نقش اساسی دارند.

۴. جایگاه روش‌شناسی علوم قرآن در مطالعات دینی

روش‌های مختلف در حوزه مطالعات دینی را می‌توان به سه روش «درون‌دینی»، «برون‌دینی» و «روش‌های تلفیقی» تقسیم کرد. رده‌بندی مطالعات دینی به درون‌دینی و برون‌دینی با دو منظر انجام می‌گیرد: گاه خود دین ملاک رده‌بندی است، در این صورت، معرفت درون‌دینی به معنای معرفت مقتبس از دین یا آموزه‌های دینی و معرفت برون‌دینی به معنای معرفت مقتبس از غیردین و آموزه‌های برون‌دینی است (فرامرزقراملکی، ۱۳۸۵ش، ص ۲۳۱). مرزبندی درون‌دینی و برون‌دینی با چنین اطلاق و دلالتی مورد نقد قرار گرفته و برخی اندیشمندان گفته‌اند: «مطلب دینی، گاه از عقل به تنهایی و زمانی از نقل به تنهایی و گاهی از مجموع عقل و نقل استنباط می‌شود. از اینجا معلوم می‌شود که مرزبندی درون‌دینی و برون‌دینی از مثله کردن حقیقت دین نشئت می‌گیرد» (جوادی آملی، ۱۳۷۸ش، صص ۱۹۰-۱۹۴). دیدگاه دوم در تقسیم‌بندی مطالعات دینی به درون‌دینی و برون‌دینی، منبع قرار دادن متون دینی یا غیردینی در پژوهش‌های دینی است. بر این اساس، مراد از روش‌های درون‌دینی، روش‌ها و رویکردهایی است که با مراجعه به متون دینی (وحی: قرآن و سنت) به توصیف، مفهوم‌سازی، توجیه و تبیین می‌پردازند؛ یعنی واژه «درون‌دینی» تلخیص لفظ «درون متون دینی» است. بنابراین، شاخص درون‌دینی بودن، موضوع یا مسئله مورد

تحقیق یا فرد محقق نیست بلکه ملاک، نظرگاه و رویکرد است. اگر هر کسی (اعم از دین‌دار و غیردین‌دار) در هر مسئله‌ای (اعم از مسائل دینی، طبیعی و...) با مراجعه به متون دینی و با استناد به آن‌ها سخن بگوید، روش وی درون‌دینی است؛ یعنی جستجوی پاسخ مسئله از متون دینی مطالعه درون‌دینی (روش نقلی یا سمعی) نامیده می‌شود و نقطه مقابل آن روش غیرنقلی یا غیرسمعی است که به اصطلاح آن را برون‌دینی می‌نامند (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۵ش، ص ۲۳۲).

روش‌های درون‌دینی در دو عرصه مطالعات قرآنی و مطالعات حدیثی کاربرد زیادی دارد. روش درون‌دینی نه تنها در پاسخ به سؤال‌ها کارآیی دارد بلکه در اخذ روش‌ها نیز مفید است. اصول و فنون ترویج دین، شیوه‌های طرح مسئله و راه‌های تحلیل حقایق دینی، از اموری است که در متون و نصوص دینی اشارات گویایی به آن‌ها شده است. اما باید توجه داشت که امکان اخذ رویکرد درون‌دینی نباید مطالعات برون‌دینی را نفی کند. اساساً گرفتار شدن در جزم‌گرایی و تأکید انحصاری بر یک رویکرد و منحصر کردن روش‌های مطالعه در روش‌های درون‌دینی از خطاهایی است که امر پژوهش را در کشف حقیقت با مانع مواجه می‌کند. همچنین، اگر در مسئله معینی امکان مطالعه برون‌دینی وجود داشته باشد، مستلزم این نخواهد بود که مطالعه درون‌دینی کنار گذاشته شود. بنابراین، مواجهه میان‌رشته‌ای^{۱۷} و مطالعات تلفیقی (اعم از درون‌دینی و برون‌دینی) در مسائل و موضوعاتی که به دانش‌های بسیار تعلق دارند، ضروری است. منظور از مطالعه میان‌رشته‌ای تحلیل مسئله‌ای واحد در پرتو رشته‌ها و دانش‌های گوناگون است. بنابراین می‌توان گفت: مطالعه میان‌رشته‌ای، به معنای برخورداری از کثرت روش‌ها و ابزارهاست.

در مورد جایگاه روش‌شناسی علوم قرآن در مطالعات دینی باید گفت: مطالعات قرآنی و علوم مربوط به قرآن از جمله تفسیر عمدتاً در مطالعات درون‌دینی قابل دسته‌بندی هستند، در عین حال، مطالعات قرآنی از روش‌های سایر علوم نیز بهره می‌برند. بنابراین، از کثرت‌گرایی روش‌شناختی برخوردار بوده و به مطالعات میان‌رشته‌ای نیازمندند و اخذ رویکرد تلفیقی بهترین شیوه در علوم قرآن است. تنوع روش و کثرت رویکرد در تفسیر قرآن بهترین شاهد این مدعا است. رویکردهای ادبی،

روائی، فلسفی، کلامی، عرفانی، فقهی، علمی و... مکاتب مختلف تفسیری را پدید آورده‌اند. کثرت روش و گوناگونی مکاتب، سبب ظهور و رواج تفسیرهای مختلف و فهم‌های متخالف از آیات قرآنی شده است. دیدگاه‌های مفسرانی چون بحرانی و فیض کاشانی که به مکتب تفسیر اثری تعلق دارند، با آرای تفسیری مؤلفان «مجاز القرآن» و «معانی القرآن» که مکتب تفسیر ادبی را بنیان نهاده‌اند، اختلاف زیاد و تأمل‌برانگیزی دارد (رک. فرآء، ۱۹۵۶م).

نتیجه

روش‌شناسی تحقیقات و پژوهش‌های مربوط به علوم قرآن تابع روش پژوهش ترکیبی (یا تلفیقی) است. در روش پژوهش ترکیبی با توجه به نوع مسئله می‌توان از یک یا چند روش مرسوم در علوم بهره برد و لزومی ندارد که خود را به شیوه واحدی در پژوهش محدود سازیم. مسئله واحد گاه می‌تواند خیثیات مختلف داشته باشد و بر مبنای هر یک از آن‌ها به دانش معینی متعلق گردد. در حوزه علوم قرآن، نمی‌توان برای همه علوم آن روش واحدی را در نظر گرفت. علوم مختلف قرآن، هر یک بسته به ماهیت خود، از روش‌های مختلف پیروی می‌کنند. بنابراین، روش‌های زبان‌شناسی، روش علم کلام، روش تاریخی و روایی و روش‌های تحقیق در علوم مثل ریاضیات، دانش‌های تجربی، علم‌الحديث، علم رجال، زیباشناسی، علوم ادبی و نقد ادبی در پژوهش‌های مربوط به علوم قرآن کارآیی دارند. البته، همه روش‌های گوناگون که برای تحقیق در علوم قرآن به کار می‌روند، در نهایت به یکی از روش‌های نقلی، عقلی و تحلیل زبانی بازگشت می‌کنند. روش‌های تاریخی و روایی، علم‌الحديث، علم رجال را می‌توان زیرمجموعه روش نقلی و روش‌های تحقیق علمی مثل ریاضیات، دانش‌های تجربی، کلام را زیر مجموعه روش عقلی و روش‌های تحقیق زبان‌شناسی، زیباشناسی، علوم ادبی و نقد ادبی را می‌توان زیرمجموعه روش تحلیل زبانی دانست. روش مربوط به اصول فقه نیز مشترکاً در روش عقلی و در روش تحلیل زبانی قابل ارزیابی است. در نهایت، باید گفت: مجموعه علوم قرآن دانشی با موضوعات متعدد است و بنابراین از تنوع روش‌ها برخوردار است و اخذ رویکرد تلفیقی (اعم از درون‌دینی و

برون‌دینی) بهترین شیوه در پژوهش‌های مرتبط با علوم قرآن است. توجه به چندتباری بودن مسائل علوم قرآن ضرورت اخذ روش پژوهش ترکیبی (اعبم از نقلی، عقلی و تحلیل زبانی) و استفاده از روش‌های علوم مختلف را در علوم قرآن روشن می‌سازد.

یادداشت‌ها

1. multi- methodic
2. intellect
3. reason
4. methodological exclusivism
5. methodological pluralism
6. seting
7. plot
8. atmosphere
9. theme
10. character
11. structure
12. style
13. salvation history
14. semantic
15. hermenutic
16. semantic
17. interdisciplinaty studies

کتابنامه

- آل کاشف‌الغطاء، محمدحسین (۱۴۱۵ق)، *اصل الشیعه و اصولها*، قم: مؤسسه امام علی (ع)، چاپ اول.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۶۶ش)، *مقدمه العبر و دیوان المبتدأ و الخیر*، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پنجم.
- ابن‌منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۵ق)، *لسان العرب*، ج ۱، قم: نشر ادب الحوزه.
- ابوزید، نصر حامد (۱۹۹۶م)، *مفهوم النص، دراسة فسی علوم القرآن*، بیروت: مرکز الثقافی العربی.
- استرآبادی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۷ق)، *تنویر المقباس من تفسیر ابن‌عباس* (جمع و تألیف). تهران: چاپ افسب.

- ایزدی مبارکه، کامران (۱۳۷۶ش)، شروط و آداب تفسیر و مفسر، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ایزوتسو، توشی‌هیکو (۱۳۶۸ش)، خدا و انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- بازرگان، مهدی (۱۳۸۴ش)، پایه پای وحی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
- همو (۱۳۶۰ش)، سیر تحول قرآن، ج ۱، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
- باقلانی، محمد بن طیب (۱۹۸۶م)، اعجاز القرآن، بیروت: مؤسسه الکتب الثقافیه، چاپ اول.
- بحرانی، یوسف (۱۴۱۴ق)، الجدائق الناضره، ج ۱، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۲۲ق)، صحیح بخاری (الجامع الصحیح)، ج ۱، بیروت: دار الفکر.
- بغدادی، عبدالقاهر (۱۴۱۱ق)، الفرق بین الفرق، بیروت: المكتبة العصرية.
- بلاشر، رژی (۱۳۷۶ش)، در آستانه قرآن، ترجمه محمود رامیار، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ پنجم.
- پتروشفسکی (۱۳۵۴ش)، اسلام در ایران، ترجمه کریم کشاورز، تهران: نشر پیام.
- پرچم، اعظم (۱۳۸۵ش)، نقش و کارکرد اشتراک معنوی و بافت در نگاه تفسیری علامه طباطبایی، مشکوه، شماره ۹۱.
- جرجانی، عبدالقاهر (۱۳۶۸ش)، دلائل الاعجاز، ترجمه سید محمد رادمنش، مشهد: آستان قدس رضوی.
- همو (بی‌تا)، دلائل الاعجاز، به کوشش سید محمد رشید رضا، بیروت: دار المعرفه.
- جعفری، محمدمهدی (۱۳۷۵ش)، «سیر تحول قرآن، تحول بنیادین در قرآن‌شناسی»، بینات، شماره ۱۱، سال سوم.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸ش)، تسنیم، ج ۱، قم: انتشارات اسراء.
- خراسانی، محمدکاظم (۱۴۰۹ق)، کفایة الاصول، قم: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.
- خوانساری، محمد (۱۳۶۲ش)، منطق صوری، ج ۱، تهران: انتشارات آگاه، چاپ پنجم.
- الخولی، امین (بی‌تا)، دائرة المعارف الاسلامیة، ج ۱، تهران: انتشارات جهان.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۳۸۵ق)، البیان فی تفسیر القرآن، نجف: مطبعه الآداب؛ و (۱۴۰۱ق)، قم: انوار الهدی؛ و (۱۳۶۰ش)، قم: نشر مجمع ذخائر اسلامی؛ و (۱۳۹۴ق)، قم: چاپ علمیه.
- دادبه، اصغر (۱۳۶۵ش)، «آراء کلامی فخر رازی»، مجله معارف، شماره ۱ (دوره سوم).

- دروزه، محمدعزه (۱۳۵۹ش)، تاریخ قرآن، ترجمه محمدعلی لسانی فشارکی، تهران: نهضت زنان مسلمان.
- همو (۱۳۸۷ق)، التفسیر الحديث، قاهره: دار احیاء الکتب العربیه.
- ذهبی، محمدحسین (۱۹۷۶م)، التفسیر و المفسرون، ج ۱، قاهره: دار الکتب الحدیثه، چاپ دوم.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (۱۳۶۲ش)، المفردات فی غریب القرآن، به کوشش محمد سید گیلانی، تهران: المکتبه المرتضویه، چاپ دوم.
- رافعی، مصطفی صادق (۱۳۸۱ق)، اعجاز القرآن و بلاغه النبویه، مصر: مکتبه التجاریه الکبری.
- رامیار، محمود (۱۳۶۹ش)، تاریخ قرآن، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- زبیدی، محمدمرتضی (۱۳۸۶ق)، تاج العروس، بیروت: دار صادر.
- زرقانی، محمدعبدالعظیم (۱۴۰۹ق)، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج ۱، بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ اول.
- زرکشی، بدرالدین محمد (۱۳۹۱ق)، البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، بیروت: دار المعرفه.
- زمخشری، محمود بن عمر جارالله (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل و غیون الاقاول فی وجوه التأویل، بیروت: دار الکتب العربیه، چاپ سوم؛ و (۱۳۷۷ق)، قاهره: مطبعه الاستقامه.
- سبحانی، جعفر (۱۴۱۱ق)، الالهیات علی هدی الکتب و السنه و العقل، قم: مرکز العلمی للدراسات الاسلامیه.
- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن (۱۳۶۰ق)، الاتقان فی علوم القرآن، قاهره: مطبعه حجازی، چاپ سوم؛ و (۱۴۱۱ق)، قم: انتشارات زاهدی؛ و (۱۳۹۸ق)، بیروت: دار المعرفه، چاپ چهارم.
- شریعتی، علی (۱۳۶۱ش)، مجموعه آثار شریعتی، ج ۳۴، تهران: دفتر تدوین و تنظیم مجموعه آثار دکتر شریعتی.
- صالح، صبحی (۱۹۷۷م)، مباحث فی علوم القرآن، بیروت: دار العلم للملایین، چاپ نهم.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۶ش)، قرآن در اسلام، تصحیح محمدباقر بهبودی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ اول.

- همو (۱۴۱۲ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان؛ و (۱۳۷۲ش)، تهران: دار الکتب الاسلامیه؛ و (۱۳۷۵ش)، قم: جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۹)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- طریحی، فخرالدین (بی‌تا)، مجمع البحرین، به کوشش سید احمد حسینی، تهران: المکتبه المرتضویه فی احیاء الآثار الجعفریه.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۱۳ق)، التبیان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین؛ و (بی‌تا)، بیروت: دار احیاء التراث العربی؛ و (۱۳۸۲ق)، نجف اشرف: مطبعة النعمان.
- عتر، نورالدین (۱۴۰۶ق)، منهج النقد فی علوم الحدیث، دمشق: دار الفکر.
- فاطمی، سید محمد (۱۳۷۴ش)، آیت کبری، معجزه جاویدان قرآن کریم، تهران: گروه فیزیک دانشگاه تهران، چاپ اول.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۷۶ش)، زبان قرآن، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.
- فرامرزی قراملکی، احد (۱۳۸۲ش)، «مهارت‌های شناختی استاد مطهری در دین‌پژوهی»، مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۷۴.
- همو (۱۳۸۵ش)، روش‌شناسی مطالعات دینی، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ اول.
- فیض کاشانی، محمد بن حسن (۱۴۰۲ق)، الصافی فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات؛ و (۱۳۶۲ش)، تهران: کتابفروشی اسلامی، چاپ ششم.
- قطب، سید (۱۳۹۳ق)، التصوير الفنی فی القرآن، بیروت: دار الکتب العربی.
- همو (بی‌تا- الف)، فی ظلال القرآن، ج ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- همو (بی‌تا- ب)، مشاهد القیامة فی القرآن، مصر: دار المعارف.
- کرمانی، نوید (۱۹۹۹م)، خداوند زیباست؛ تجربه زیباشناختی قرآن کریم، مونیخ: انتشارات یک.
- کلاتری ارسنجانی، علی‌اکبر (۱۳۸۴ش)، نقش دانش رجال در تفسیر و علوم قرآن، قم: بوستان کتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸ق)، الاصول من الکافی (اصول کافی)، به کوشش علی‌اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ سوم.

- لاریجانی، صادق (۱۳۷۰ش)، *فلسفه تحلیلی*، قم: انتشارات مرصاد، چاپ اول.
- لسانی فشارکی، محمدعلی (۱۳۸۵ش)، «تجوید»، در *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، تهران: بنیاد دائرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، ج ۱۴.
- مامقانی، عبدالله (۱۳۵۰ق)، *تنقیح المقال*، ج ۱، نجف اشرف: مطبعة المرتضوية.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار(ع)*، ج ۱۹، بیروت: مؤسسه الوفاء، چاپ دوم.
- محمود، مصطفی (بی تا)، *محاولة لفهم عصری للقرآن*، مصر: دار المعارف.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۶۴ش)، *آموزش فلسفه*، ج ۱، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۳ش)، *مجموعه آثار*، ج ۶، تهران: انتشارات صدرا.
- میرمحمدی، سیدابوالفضل (۱۴۰۰ق)، *بحوث فی تاریخ القرآن و علومه*، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- نجاشی، احمد بن علی (بی تا)، *فهرست أسماء مصنفی الشيعة (رجال نجاشی)*، قم: مکتبه الداوری.
- نصر، سیدحسین (۱۳۵۹ش)، *نظر متفکران اسلامی در باره طبیعت*، تهران: انتشارات خوارزمی.
- نوفل، عبدالرزاق (۱۹۷۳م)، *القرآن و العلم الحديث*، دار الکتب العربی.
- واحدی نیشابوری، ابوالحسن علی (۱۳۶۲ش)، *اسباب النزول*، ترجمه محمدجعفر اسلامی، تهران: بنیاد علوم اسلامی، چاپ اول.
- ویستر، راجر (۱۳۸۰ش)، *درآمدی بر پژوهش نظریه ادبی*، ترجمه مجتبی ویسی، تهران: انتشارات سپیده سحر، چاپ اول.
- هاشمی، احمد (۱۳۶۷ش)، *جواهر البلاغة فی المعانی و البیان و البدیع*، قم: مکتبه المظفری؛ و (بی تا)، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- هال، رابرت (۱۳۷۱ش)، *زبان و زبان شناسی*، ترجمه محمدرضا باطنی، تهران: فرهنگ معاصر.
- یشربی، سید یحیی (۱۳۷۲ش)، *عرفان نظری*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

- Barthes, Roland (1997), *The Death of the Author*, London: Fontana.
- Cristal. D. (1987), *Encyclopedia of Language*, Cambridge: Cambridge University Press.

- Fazlur Rahman (1980), *Major Themes of the Quran*, Chicago: Bibliotheca Islamica.
- Focalt, Michel (1980), *What Is Autor?* London: Methuen.
- Guerin, W.L. (1978), *A Handbook of Critical Approaches to Literature*, 8 Edition, New York.
- Kalish, Ronald (1967), "Semantics", *The Encyclopedia of Philosophy*, Paul Edwards (ed. in chief), London: Macmillan Publishing Company.
- Rippin. And (1995), "Literary Analysis Of Quran, Tafsir and Sira: The Methodology of John Wansbrough", in R.C. Martin (ed): *Approaches to Islam in its Religious Studies*, Tucson: University of Arizona Press.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی